



«مونس نامه»

رساله‌ای در تقسیم بندی علوم «قرن هشتم هجری»

الهی روحی دل



نوع دیدگاه هر یک از اهمیت فراوانی برخوردار است؛ گرچه بسیاری از آثار دائرة المعارفی به چاپ رسیده، اما همچنان در میان نسخ خطی اسلامی آثاری هر چند کوچک، به جای مانده که معرفی و بررسی آنها خالی از فایده نیست.

مونس نامه رساله صد و یکم مجموعه شماره ۱۴۴۷ حمیدیه^۱ است. این مجموعه جنگ با ارزشی است که در قرن هشتم تألیف شده و کتابت رساله مونس نامه نیز در دهه دوم ذی القعدة سال ۷۵۳ به اتمام رسیده است.^{۱۱} در این رساله بر خلاف آثار دایرة المعارفی اسلامی از طرح منسجم تبعیت نشده است و علوم مختلف آن به شکلی پراکنده^{۱۲} و ساده بررسی و بدین جهت از نثر منبشانه و فصیحی برخوردار نیست. مؤلف^{۱۳} در رساله خود می گوید: مقصود از این مختصر، تحریض مبتدیان است بر جمع کردن حکم و طرف و همگی خاطر همت را روشن گردانیدن^{۱۴}

او علوم را در ده باب بدین شرح بررسی می کند: باب اول: اندر حروف معجم، باب دوم: اندر اصول نحو، باب سوم: اندر مسائل نحوی از قرآن، باب چهارم: اندر مسائل اصول از قرآن، باب پنجم: اندر عقد قرآن از کلمات و حروف، باب ششم: اندر لغت، باب هفتم: اندر فقه، باب هشتم: اندر بیرون آوردن اندیشه پنهان، باب نهم: اندر حساب، باب دهم: اندر طرایف قول و عمل.

مؤلف از نظر سبک کار، روش پرسش و پاسخ را برگزیده و در هر بخش به بررسی پنج مسأله پرداخته که در میان کتب دائرة المعارفی و تقسیم علم در زبان فارسی به یواقیت العلوم و دراری النجوم^{۱۵} نزدیک است. مؤلف خود می گوید:

«هر چند در این روزگار همتها از جمله علوم قاصر است و خلق از آن معرض، این مختصر جمع کرده بر وجه سؤال و جواب^{۱۶}.»
ابواب ده گانه رساله نشان دهنده تأکید مؤلف بر علوم قرآنی و ادبی است. مؤلف در رساله خود اشاره‌ای به کتاب یا علمایی که از

با تأکید اسلام بر کسب علم و دانش از اقصی نقاط جهان و تکوین پایه‌های دین بر اساس قلم، کتابت و علم، دوران پیشرفت علمی مسلمانان آغاز شد.

همزمان با گسترش علم و شروع نهضت ترجمه، تفکر طبقه بندی علوم به منظور حفظ علوم اسلامی و تمایز آن از علوم جدید از یک سو و جلوگیری از بروز هر گونه ناهمگونی^۱ در علم از سوی دیگر ایجاد شد. بی شک طبقه بندی ارسطو، نخستین طبقه بندی مورد توجه فلاسفه و حکمای اسلام است. در این طبقه بندی، علوم به دو بخش عملی و نظری تقسیم شده و ذیل هر یک اصول و فروعی قرار گرفته است. طبقه بندی ارسطو که در واقع نوعی طبقه بندی عقلی و فلسفی بود، نخست مورد بررسی حکما و فلاسفه قرار گرفت و ایشان نیز پس از بررسی طرح اولیه خود به ارائه طرحهای جامعتر پرداختند.^۲

مسأله طبقه بندی علوم از حدود قرن دوم مورد توجه مسلمانان قرار گرفت و از قرن چهارم به بعد به اوج خود رسید، چنان که از این قرن توجه به فهرستها، دائرة المعارفها و فرهنگ مصطلحات علوم رایج شد و آثار با ارزشی که هر یک به برخی از شعب علوم یا تمام آن توجه داشتند، تدوین یافت.^۳ رایج ترین انواع طبقه بندی علوم در جهان اسلام با عناوین ذیل مطرح شده است:

علوم حکمی و غیر حکمی^۴، علوم شریعت و علوم مردم غیر عرب^۵، علوم اواخر و علوم اوایل^۶، علوم حقیقیه و غیر حقیقیه، علوم حکمی فلسفی و علوم نقلی وضعی، علوم شرعی و علوم غیر شرعی^۷.

غرض از بیان مقدمه بالا آن بود که خواننده به اختصار با اندیشه تقسیم علم در اسلام آشنا شده و توجه علمای اسلام را به زوایای مختلف آن دریابد و با تأثیر از این تفکر در پی ریزی پایه‌های تعلیم و تربیت^۸ و طبقه بندی کتابها که بی شک جدا از طبقه بندی علوم نبوده است، آشنا شود.^۹

بدین جهت شناخت شیوه تفکر تقسیم کنندگان علم در اسلام و

آنها تأثیر پذیرفته است ندارد و این خود نشانگر این است که رساله تنها دستنوشته‌ای است جهت آشنایی طلاب مبتدی با شاخه‌های مختلف علوم و تأکید بر این نکته است که مدرسان و اهل علم آشنایی هر چند اجمالی و مختصر طلاب را با تقسیم و طبقه بندی علوم ضروری می‌دانستند.

جهت آشنایی بیشتر خوانندگان با عناوین مطرح شده در رساله به ابواب و سؤالات مطرح شده در متن اشاره خواهد شد.^{۱۷}

باب اول اندر حروف معجم:

۱. حرف را چرا حرف خوانند؟

۲. این صورتها و اشکال حروف، که بدین مثال نهاد؟

۳. چرا این حروف معجم را بدین ترتیب نهاده‌اند؟

۴. این حرف را چرا نقطه مختلف زده‌اند؟

۵. این حرف را چرا حروف معجم گویند؟

باب دوم اندر اصول نحو:

۱. نحو را چرا نحو گویند؟

۲. بنیاد نحو بر سه چیز نهادند؛ اسم و فعل و حرف، چرا نهادند؟

۳. چرا اول اسم نهادند، پس از آن فعل و پس از آن حرف؟

۴. که از کلمه حرف اعراب، حرف آخر نهاد همچون دال از زید و

لام آخر از یفعل و حرف بنیان نهاد؟

۵. علامت اعراب بر چند نوع است؟

باب سوم اندر مسائل نحوی از قرآن:

۱. قوله تعالی «بِسْمِ اللَّهِ» چرا باء «بِسْمِ اللَّهِ» بلندتر کشند؟

۲. قوله تعالی «ثَلَاثَ مِائَةِ سَنِينَ» عادت عرب است که معدود را

پس از صد، از پس هر عددی وحدان گویند و جمع نگویند چنان

که «مِائَةٌ دَرَهْمٌ» گویند و «مِائَةٌ دَرَاهِمٌ» نگویند و همچنین

«ثَلَاثُمِائَةٌ دَرَهْمٌ» گویند؛ پس [چرا] خدای تعالی گفت «سَنِينَ»

تلفظ جمع؟

۳. قوله تعالی «يَا جِبَالُ أَوْبَىٰ مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَالنَّالَةَ الْحَدِيدَ» معلوم

است که ما قبل «وَالطَّيْرَ» چیزی نیست که آن را هر آن عطف

توان کردن، اَوْبَىٰ یا جِبَالُ و در کدام کلام عرب معطوف معجم

چون معطوف علیه است؟

۴. قوله تعالی «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا» چه

معنی است که هر کجا «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ»

دیگر «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَدْنَىٰ» و مانند این و اینجا

«فَقُلْ يَنْسِفُهَا» بزیاده «ها» می‌آید؟

باب چهارم اندر مسائل اصول از قرآن:

۱. قوله تعالی «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» خدای تعالی در صفت خویش

بدین جا چنین می‌گوید که من پادشاه روز قیامت و معلوم است که او پادشاه روزها [ی] دنیاست و آنچه در آن است و هم پادشاه روز قیامت؛ پس چه معنی دارد پادشاهی روز قیامت را نحوش، مخصوص کردن؟

۲. قوله تعالی «قُلْ أَنْتَبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي

الْأَرْضِ» بگویا محمد که آیا آگاه کند خدای را بدانچه بدانند در

آسمانها و در زمین؛ چرا حقیقت کرد خدای تعالی خویشتن را

به نادان و او را چنین صفت پاک است و منزّه؟

۳. قوله تعالی «فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» سوگند به خداوند

تو یا محمد که همه را به روز رستاخیز از کردار ایشان پرسم و

جای دیگر می‌گوید: «فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ»

و به روز قیامت، آدمیان را خواهند پرسید از گناه ایشان و نه

پریان را؛ چه معنی دارد خلافتی بدین عظیمی که در این دو

آیت است؟

۴. قوله تعالی «وَمَا تَلَكَ بِمِينِكَ يَا مُوسَىٰ» چون آن وقت که

خدای تعالی با موسی در سر طور سخن گفت موسی عصای

خویش در دست راست داشت، خدای تعالی پرسید آن را که

آن چه چیز است که در دست راست توست؟ موسی گفت:

این عصای من است. معلوم است که الله تعالی از موسی بهتر

دانست، پس در پرسیدن از چه معنی بود؟

۵. لفظ حرامی خمر و قمار در قرآن کجاست؟

باب پنجم اندر عقد قرآن از کلمات و حروف:

۱. کجاست در قرآن که حرف پس یکدیگر یکان یکان که هیچ از

آن در هم بسته باشند؟

۲. کجاست در قرآن یک کلمه ده حرف به هم پیوسته که از آن

هیچ کجا نیست؟

۳. کجاست یک کلمه به سه پاره؟

۴. کجاست در قرآن پنج آیت پس یکدیگر که در آن الف نیاید؟

۵. کجاست در قرآن یک آیت که همه حروف تهجی در آن بیاید؟

باب ششم اندر لغت:

۱. چگونه باید گفت به تازی [که] آمدند مردمان مگر من و نیامند

مردمان مگر من؟

۲. آیینه را در عرب مرآة گویند، آیینه دار را ازین لفظ چه باید گفت؟

۳. از رویت، امر چگونه باید گفت؟

۴. از وقایه، امر چگونه باید گفت؟

۵. از دعا، یدعو چگونه باید گفت که می‌خواند ایشان مردان [را]

و می‌خواند ایشان زنان [را]؟

باب هفتم اندر فقه:

۱. مردی بذر خویش را از بهر کاوین مادر خویش فروخت، چگونه است؟
۲. مردی زن خویش را سه طلاق [داد و] او سوگند خورد که هر چه تو مرا بگویی من نیز همان بگویم، زن گفت من تو را به سه طلاق بگذاشتم، اکنون شوی او را چنین بگوید [و] زن طلاق شود و اگر نگویید به سبب سوگند نیز طلاق شود، چه باید کردن تا طلاق نشود؟
۳. دو مرد مادر یکدیگر را به زنی [اختیار] کردند یکی را سؤال آمد [که] این دو پسر یکدیگر را که باشند؟
۴. مردی بمراد و از وی هفده درم زرمانده، هفده زن آمدند و هر یکی از آن دیناری زرببردند و هر یکی را پیش از آن نمی‌رسد، ایشان او را که باشند؟

۵. کسی بمراد و زنی آبستن یگانه آمد [و گفت] اگر من دختری زایم از جنب مرده میراث برد یا اگر پسری زایم یا به سؤال دختران میراث نبرند، این چگونه باشد؟

باب هشتم اندر بیرون آوردن اندیشه پنهان:

۱. چون کسی نامی اندیشد و خواهی که تو بیرون آوری که کدام اندیشه است [وجه بیرون آوردن آن چیست؟]
۲. چون کسی به دل شماری گیرد، وجه بیرون آوردن آن چیست؟
۳. چون کسی از حروف معجم حرفی اندیشد، وجه بیرون آوردن آن چیست؟
۴. چون کسی نام ماهی اندیشد از دوازده ماه، وجه بیرون آوردن آن چیست؟
۵. اگر کسی از دوازده برج یکی اندیشد، وجه بیرون آوردن آن چیست؟

باب نهم اندر حساب:

۱. مردی را مال دادند که برین تجارت می‌کن و هر روز نه درم صدقه می‌ده، آن مرد بران مال تجارت کرد و هر روز بر درمی، درمی سود کرد و سه روز شد [و] سود و مایه در صدقه داده شد؛ اصل مال چند بوده است؟

۲. مردی [چند سیم] در دست خویش داشت و کسی از وی پرسید که چند سیم داری؟ گفت: این که در دست من است و نیمه این و ثلث این و شش یک این و پنج درم دیگر همه بیست درم باشد؛ اکنون این مرد در دست چند سیم دارد؟
۳. کدام مال است که [اگر] پنج یک این در هشت یک آن ضرب کنی همه آن مال [را] دارد؟
۴. بقال که چهارده پاره سنگ دارد، هر چهار به وزن یک من [و] یک ستیر پاستنگ من بار همه می‌دهد آن سنگها به وزن هر یک چند است؟
۵. چون کسی پرسد که [اگر] از فلان حساب، پس یکدیگر بشماری، جمله چند باشد چنان که از یکی تا به ده و از ده تا به صد و مائه، پس وجه جمع کردن این شماره چیست؟

باب دهم اندر طرایف قول و عمل:

۱. [وجه] بیرون آوردن سه انگشتری پنهان کرده چیست؟
۲. اگر کسی یک مهره از میان بیست و هفت مهره نشان کند و خواهد که تو آن را بیرون آوری که از کدام است، وجه آن چیست؟
۳. دو کس [را] با یکدیگر خصومتی یا جنگی آمده، خواهی که بدانی که غالب کدام است و مغلوب کدام، وجه شناختن آن چیست؟
۴. مردی و کیل خویش را صد درم داد که از آن صد درم، صد کیل دانه می‌باید خریدن از پنج نوع بدین تفصیل؛ اول گندم کیلی چهار درم، دیگر جو کیلی به دو درم، سه دیگر عدس کیلی سه درم، چهارم ماش کیلی به درمی، پنجم گاورس، شش کیل به درمی. باید که جمله این حبوب صد کیل باشد، اکنون این کیل را از هر نوع چند کیل می‌باید خرید که بدین صد درم، صد کیل آید؟

۵. مردی غلام خویش را مقداری گندم داد تا ببرد و آن را بفروشد، فروختنی؛ غلام گفت: چون عدد کیلهای آن را بابهای یک کیل به هم کنی، سی و چهار درم باشد، من بیش از این ندانم، اکنون آن گندم چند بوده است و هر کیل چند است؟

احمد طاهری عراقی، تهران: مرکز خدمات کتابداری، ۱۳۵۸، ص ۲۵.
۴. درة التاج لغرة الدبیاج، قطب الدین محمود بن ضیاء الدین مسعود شیرازی، ج ۱، به کوشش و تصحیح سید محمد مشکوة، چاپ دوم، تهران:

امیر کبیر، ۱۳۶۵، ص ۱۱۳
۳. مانند: الفهرست ابن ندیم، رسائل اخوان الصفا، جوامع العلوم ابن فریبغون، مفاتیح العلوم خوارزمی، جامع العلوم امام فخر رازی و... برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: رده BP اسلام،

پی‌نوشت:
۱. طبقه بندی علوم در جهان اسلام، علی رفیعی علامرودشتی، نامه فرهنگ، سال چهارم، شماره اول (بهار ۱۳۷۳)، ص ۱۱۱.
۲. تاریخ علم در ایران، مهدی فرشاد، ج ۱، تهران:

۱۲. الذریعة الی تصانیف الشیعه، آقابزرگ تهرانی، ج ۲۳، احمد منزوی، تهران: کتابفروشی، اسلامیة، ۱۳۵۴، ص ۲۸۴.
۱۳. مؤلف رساله علی رغم بررسی کتابشناسیها و زندگی نامه‌ها ناشناخته باقی مانده است.
۱۴. نسخه عکسی ۲۸۳۳، ص ۱۷۵.
۱۵. یواقیت العلوم و دراری النجوم، تصحیح محمد تقی دانش پژوه، تهران: بنیاد فرهنگ، ۱۳۴۵.
۱۶. نسخه شماره ۲۸۳۳، ص ۱۷۵.
۱۷. ابواب و سؤالهای مطرح شده به رسم الخط جدید نوشته شده و کلمات افزوده در [] قرار گرفته است.
- علامه، ص ۱۱۱.
۹. مروری بر رده بندی نظری و عملی، محمود حقیقی، نشریه علوم تربیتی، سال دهم، شماره ۳-۴، ۱۳۶۶، ص ۴۷.
۱۰. فهرست میکرو فیلمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، محمد تقی دانش پژوه، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، ص ۴۲۸. به شماره فیلم ۱۹۵ و عکس ۲۸۳۲-۴.
۱۱. نسخه عکسی شماره ۲۸۳۳ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۱۸۴ «تم کتاب مونس نامه فی العشر الثاني من ذی القعدة سنه ثلث و خمسين و سبعمائه حامداً لله مصلياً علی نبیه محمد وآله الطيبين الطاهرين».
- حکمت، ۱۳۶۵، ص ۷۱۰ و لوکری در بیان الحق بضمان الصدق و مهدی محقق در فصلنامه سیاست علمی و پژوهشی، شماره ۱، ۱۳۷۰، ص ۳۲.
۵. مفاتیح العلوم، ابو عبدالله محمد بن احمد بن یوسف کاتب خوارزمی، ترجمه حسین خدیو جم، تهران: بنیاد فرهنگ، ۱۳۴۷، ص ۶.
۶. نفاس الفنون فی عرایس العیون، شمس الدین محمود بن محمود آملی، تهران، اسلامیة، ۱۳۷۷، ص ۱۹.
۷. طبق نظر تهرانی، ابن خلدون و غزالی در ده BP اسلام، احمد طاهری عراقی.
۸. طبقه بندی علوم در جهان اسلام؛ علی رفیعی



کتابخانه
متون



مشمول بر یکصد و سی و چهار عنوان این کتابخانه پرداخته و برای معرفی هر یک از آنها، دو بخش معرفی کتابها و معرفی نسخه‌ها منظور گردیده است. در پایان نیز فهرس عمومی شامل فهرست الفبائی و موضوعی کتب و اسامی مؤلفین درج شده است.

فهرست کتب خطی کتابخانه سید محمد حجت کوهکمری (ره)؛ نگارش سید جعفر حسینی اشکوری، نشر مجمع ذخائر اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷.

مرحوم آیت الله سید محمد حجت کوهکمری (۱۳۱۰ - ۱۳۷۲) مؤسس مدرسه حجتیه قم و صاحب تالیفاتی در فقه، اصول، حدیث و علوم اسلامی از مراجع عظام و شخصیت‌های معروف عالم تشیع بود که از محضر بزرگان و علمای سرشناس حوزه کسب فیض نمود. سید جعفر حسینی اشکوری به معرفی شصت عنوان کتاب خطی موجود در منزل مرحوم سید حسین حجت کوهکمری پرداخته که بیشتر آنها، تالیفات و تقریرات درس آیه الله العظمی سید محمد حجت (ره) است. این فهرست شامل مقدمه‌ای به زبان عربی در شرح حال مرحوم محمد حجت کوهکمری و فهرس عمومی (فهرست اعلام، موضوعات، امکان و فهرست عمومی کتابها و رساله‌ها) می‌باشد.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه علمیه آیه الله العظمی خوئی (مشهد-ایران)، نگارش سید احمد حسینی اشکوری، نشر مجمع ذخائر اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷.

مدرسه علمیه حضرت آیه الله خوئی (ره)، از مراکز علمی بسیار مهم و مفید مشهد مقدس و با کتابخانه‌ای دارای حدود هفتاد هزار کتاب چاپی و تعدادی نسخه‌های خطی. سید احمد حسینی اشکوری در این فهرست به معرفی یکصد و هفتاد و پنج نسخه این کتابخانه پرداخته و در انتها نیز فهرست الفبائی، موضوعی کتابها و اسامی مؤلفین آنها و فهرست نام اشخاص مختلف و امکان درج گردیده است.

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی امام هادی (ع) (مشهد-ایران) نگارش سید احمد حسینی اشکوری؛ نشر مجمع ذخائر اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷

کتابخانه عمومی امام هادی (ع) وابسته به مجتمع امام هادی (ع) - که به همت آیه الله سید محمد حسین مصباح در مشهد سال ۱۳۶۸ تأسیس گردیده - دارای بیش از بیست و پنج هزار جلد کتاب چاپی و تعدادی نسخ خطی است و حجة الاسلام سید احمد حسینی اشکوری در این فهرست، به معرفی اجمالی یکصد و ده نسخه